رسالت
پنج‌شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۷
اول جمادی الثانی ۱۴۴۰-۷ فوریه ۲۰۱۹ -سال سی و چهارم-شماره ۹۴۳۰

رسالت ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند؛

انقلاب اسلامی به دنبال ایجاد نظم جدید جهانی است

بی تردید برخی از تحولات دامنه اثر وسیعی از خود بر جای نهاده و حتی فرآیندهای نظام بین‌المللی را هم تحت تاثیر قرار می دهد. انقلاب اسلامی در زمره همین تحولات بزرگ و اثرگذار قرار دارد که نه تنها داخل کشور بلکه منطقه و جهان را هم دستخوش تغییر و تحولات سازنده کرده است. این انقلاب در دورانی به پیروزی رسید که سایر کشورها از دو الگوی کمونیسم و یا سرمایه داری تبعیت می کردند اما امام خمینی (ره) با نگرشی عالمانه نظام دوقطبی شرق و غرب را مورد نقد جدی قرار دادند و نظامی مبتنی بر جمهوریت و اسلامیت را پایه گذاری کردند. اکنون که در ۴۰ سالگی انقلاب قرار داریم در گفت‌وگو با مرتضی نبوی (عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام)، محمدرضا مرندی (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی) و محمد ناظمی اردکانی (عضو شورای مرکزی جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی) به بررسی اجمالی دستاوردها، فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی پرداخته ایم. این گفت‌وگو را در ادامه می خوانید.

سید مرتضی نبوی: گفتمان تخریبی در ۴۰ سالگی انقلاب ممنوع است

***آیا می توانیم بگوییم بعد از گذشت ۴۰ سال انقلاب ما به الگویی برای کشورهای منطقه تبدیل شده و یک نظم جهانی جدید را ایجاد کرده است؟**

در اینکه انقلاب اسلامی ما یک انقلاب جهانی و بزرگ بود، تردیدی نیست لذا الگوبخشی و الهام بخشی را نه فقط در سطح منطقه بلکه در سطح جهان هم ایجاد کرده و بسیاری کشورها از آن قدرت نرم انقلاب اسلامی، الهام گرفته و از آن تبعیت کرده و الگوی خود قرار داده اند. اما فکر می کنم ما تا آنجایی که بتوانیم یک نظم جدیدی را در جهان برقرار کنیم، فاصله و راه داریم. این مسئله یکی از اهداف بلند حضرت امام و انقلاب بود زیرا حضرت امام که در واقع معمار کبیرانقلاب بود، یکی از اهدافشان در سطح جهان این بود تا نظم ظالمانه ای که به‌دنبال جنگ اول و دوم جهانی، طرف های پیروز برقرار کرده اند را برهم بزنند. در واقع حضرت امام این نظم را قبول نداشتند و به نوعی آن نظام دوقطبی که در زمان پیروزی انقلاب و سال ۷۹ میلادی وجود داشت را زیرسوال بردند. در آن زمان دنیا به دوقطب غرب و شرق تقسیم شده بود و همه کشورهای دیگر هم زیرمجموعه آن بودند. در آنجا ناگهان انقلاب اسلامی مستقل از بلوک شرق و غرب ظهور کرد و گسترش یافت و تاکنون توانسته این نظم را به حساب نیاورد و نشان دهد این نظم در برقراری روابط جهانی میان ملت ها و دولت ها ناتوان است و نمونه آن همین رفتارهای یک طرفه ای است که آمریکایی ها انجام می دهند. فکر می‌کنم این مسئله توانسته این پارادیم را حاکم کند که نظم موجود جهانی، نظم قابل دوام و عادلانه ای نیست. تصورم این است که انقلاب درحال حرکت در این مسیر است. یکی از نشانه های آن هم این است که جبهه مقاومت را در دنیا بوجود آورده که این جبهه مقاومت یکی پس از دیگری به پیروزی رسیده و در مقابل آمریکا که داعیه فرماندهی نظم جهانی را داشته و دارد، یکی پس از دیگری درحال شکست خوردن است. منتها فکر می کنم ما هم برای رسیدن به آن نقطه هنوز فاصله داریم ولی در این مسیر درحال حرکت هستیم.

*** انقلاب اسلامی نه تنها به دنبال ایجاد نظم جدید جهانی بلکه الگوی حکومت مردم سالار هم بوده و همان طور که می دانید امام خمینی (ره) به نهادهای مردم سالاری توجه ویژه ای داشتند و در واقع ایشان الگوی حکومت مردم سالار اما مبتنی بر دین را به عنوان الگویی پیشرفته تر و کارآمدتر از الگوهای حکومتی غالب و عموماً سکولار، به ویژه الگوی لیبرال دموکراسی، مطرح کردند و خیلی ها گفتند که مردم سالاری با اعتقادات دینی سازگاری ندارد. درست است؟**

اولا اینکه دموکراسی مطلق اساسا وجود ندارد و در هر دموکراسی خط و مرزها و باید و نبایدی وجود دارد. بعدهم چه کسی گفته است که اسلام نمی تواند با دموکراسی سازگار باشد؟ بنده این را درجای دیگری هم مطرح کردم که تفاوت آشکار مردم‌سالاری دینی با لیبرالیسم در این است که مولفه هایی نظیر هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی، جهان‌بینی و معرفت‌شناسی در مردم‌سالاری دینی از اسلام اخذ می‌شود و امام خمینی (ره) هم مطالعات گسترده ای داشتند و کسانی که معتقدند مردم سالاری با اعتقادات دینی همخوانی ندارد، حرف امام را به درستی درک و دریافت نکرده اند.

***استقلال و آزادی یکی از اصلی‌ترین شعارهای انقلاب اسلامی بود ما در این ۴۰ سال چقدر توانسته ایم در عرصه های مختلف استقلال خودمان را حفظ کنیم به ویژه در حوزه سیاست خارجی؟**

در این زمینه ها موفق بوده ایم واستقلال سیاسی را کسب کرده‌ایم و امروز سرنوشت کشور توسط مردم و در داخل تعیین می شود. استقلال سیاست خارجی ما نیز کاملا مشهود است زیرا مهمترین کشور مستقل جهان هستیم و حتی در این زمینه الهام بخش بوده ایم. در حوزه فرهنگی هم انقلاب ما فرهنگی بود منتها تصورم این است که ما هنوز به استقلال اقتصادی نرسیده ایم و این امروز به یکی از بزرگترین نقطه ضعف های ما تبدیل شده که دشمنان انقلاب دارند از همین نقطه به ما فشار می آورند. دلیل این امرهم رانتی بودن اقتصاد و وابستگی به نفت است. بعد از گذشت ۴۰ سال هنوز اتکای بودجه دولت به نفت است و حقوق های کارکنان از این طریق تعیین و تامین شده و دشمنان ما از طریق همین نقطه ضعف دارند به مردم، دولت و انقلاب ما فشار می آورند. تصورم این است که ما در آستانه جهش هستیم و اگر بتوانیم حکومت قانون را پیاده کرده، قوانین مان را در داخل اصلاح کنیم، نظام حقوقی کارآمد داشته باشیم، نظام اداری پیشرفته و در خور شان جمهوری اسلامی بوجود بیاوریم و در عین حال دولت الکترونیک یک پارچه که بتواند شفافیت و کارآمدی و عاری از فساد را عرضه کند، آنگاه در عرصه اقتصاد هم شاهد تحول و استقلال خواهیم بود.

***مطابق دیدگاه شما مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی چیست؟**

این انقلاب گفتمان جدیدی بود که امروزه در دسترس عموم مردم جهان است. اعتبار و پاسخگویی خودش را حفظ کرده و توانسته یک رژیم فاسد را سرنگون کند و به جای آن نظامی مبتنی بر جمهوریت و اسلامیت بنا کند و درعین حال الهام بخش باشد و این شعار را به درستی مطرح کرده که «ما می توانیم» زیرا نسل جوان ما کارهایی را انجام می دهند که در زمینه دستاوردهای علمی و فناوری محیرالعقول است و این «ما می توانیم»، قدرت نرم مردم را به خوبی اثبات کرده و مهمترین دستاورد است که امروز منشاء اعتماد به نفس ملی شده است.

*** یکی از اهداف راهبردی دشمنان در جنگ نرم علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه و به‌ویژه در نسل جوان نسبت به آینده از طریق سیاه‌نمایی، بزرگ کردن مشکلات، زیر سؤال بردن و یا کم‌ارزش جلوه دادن دستاوردهای انقلاب و ناکارآمد نشان دادن نظام دینی است، آیا دشمنان ما در این زمینه دستاوردی داشته اند؟**

البته دشمنان ما دغدغه ها و نگرانی هایی را در مردم ایجاد کرده اند اما فکر می کنم در این زمینه ضعف و نقص خودمان باعث شده که وسوسه های آنان تاثیرگذار باشد. اگر ما وسوسه را نپذیریم، حربه ها و توطئه های آنان هم تاثیرگذار نیست. رسانه های خود ما، مسئولان، دولتمردان و نماینده های مجلس ما و مسئولین قوه قضائیه ما و خلاصه همه کسانی که صاحب تریبون و قلم هستند، اگر در داخل روحیه مردم را تضعیف نکرده و نارسایی ها را بزرگنمایی نکرده و دستاوردهای انقلاب را پنهان نکنند، دشمن ناامید و سرخورده خواهد شد.

***برای سال آینده چه خطر یا تهدیدی از جانب آمریکایی‌ها ممکن است انقلاب و نظام ما را تهدید کند؟**

سال آینده سال مهمی است، از باب اینکه انتخابات را پیش رو داریم، معمولا انقلاب های رنگی ساخته و پرداخته آمریکایی هاست که در حقیقت پاتکی است در مقابل مردم سالاری یعنی اگر در جایی متکی به رای مردم؛ دولت و مجلسی شکل بگیرد که با منافع آنها سازگار نباشد، از طریق کودتای رنگی آن دولت و مجلس را به زیر می کشند. درست مثل آنچه که در ونزوئلا و گرجستان شاهد بوده ایم. حتی یکی دو بارهم در کشور ما شانس خود را امتحان کردند اما موفق نبوده اند. لذا این مسائل معمولا در مقطع انتخابات اتفاق می افتد. در نتیجه طبیعی است که دشمنان ما به سال آینده چشم طمع داشته باشند زیرا قرار است انتخابات برگزار شود و ممکن است بخواهند از فضایی که به طورجدی رقابتی شده و گفتمان ها شفاف تر می شود، درجهت منافع خود سوء استفاده کنند. پس باید مراقب باشیم.

***در این شرایط تکلیف و وظیفه مسئولان ما چیست؟**

مسئولان ما نباید در زمین دشمن بازی کنند و با انجام بازی صفر و یک رقیب خود را نابود و از صحنه خارج کنند، در چهل سالگی انقلاب نباید شاهد این مسائل باشیم پس باید از گفتمان تخریبی پرهیز کنند. درعین حال نباید مردم را مایوس کرده و یا وعده‌هایی بدهند که غیرقابل دسترس است و امکان تحقق آن وجود ندارد. اگر این مسائل رعایت شود، می توانیم شاهد رقابت جدی، نقدهای منصفانه و عالمانه و سازنده باشیم و با مشارکت بالا در انتخابات، وحدت ملی خود را حفظ کنیم.

محمدرضا مرندی: انقلاب اسلامی به افراط دیکتاتوری و تفریط وادادگی دچار نشد

***ما در ۴۰ سالگی انقلاب قرار داریم، ۴۰ سالگی زمان پختگی و انتقال تجارب و الگوپذیری دیگر کشورهاست. آیا انقلاب ما به الگویی برای کشورهای منطقه تبدیل شده است؟**

قطعا انقلاب اسلامی در عموم عرصه ها یک الگوی موفق برای کشورهای اسلامی است اما این الگوی موفق به این معنی نیست که ناکامی نداشته بلکه به این معناست که در اکثر عرصه ها از جهت رشد و توسعه و عدالت و معنویت، الگوی موفقی بوده و می تواند از نظر جهان اسلام مورد توجه قرار بگیرد و نگرانی کشورهای امپریالیستی و استکبارغربی هم از این است که انقلاب ما به دیگر کشورهای جهان اسلام منعکس شود.

***همان طور که می دانید از جمله محوری ترین شعارهای انقلاب ما دست یابی به استقلال و آزادی بوده، آیا ما در گذر این سالها توانسته ایم استقلال خودمان را در عرصه های گوناگون حفظ کنیم؟**

من همواره گفته ام که جمهوری اسلامی مستقل ترین کشور جهان است یعنی هیچ کشوری حتی آمریکا به اندازه ایران مستقل نیست. برای اینکه آمریکا تحت نفوذ لابی های صهیونیستی است و اسرائیل نقش تعیین کننده ای را برای ایالات متحده دارد و اساسا سیاست خارجی آمریکا در اسرائیل طراحی و دنبال می‌شود. اما در مورد ایران هیچ کس نمی تواند ادعا کند که ما به یک کشور خارجی وابسته هستیم و آن کشورخارجی سیاست خارجی مان را طراحی می‌کند و ما آن را اجرا می کنیم. اصلا چنین چیزی نیست. پس هیچ کشوری در حد ایران مستقل نیست. همه کشورها وابسته بوده و تحت نفوذ و تاثیر کشور دیگری قرار دارند. حتی کشورهایی نظیر چین و روسیه هم به اندازه ما مستقل نیستند. چین خیلی از سیاست هایش را به خاطر آمریکا مورد بازنگری قرار می دهد و یا نسبت به برخی سیاست های خارجی این کشور تحفظ دارد. روسیه هم اگرچه در حال حاضر تحت مدیریت پوتین توانسته تا حد زیادی استقلال داشته باشد ولی بازهم میزان استقلال نظام اسلامی با هیچ کشوری در دنیا قابل مقایسه نیست. البته منظورم استقلال سیاسی است.

***چه مولفه یا مولفه هایی باعث پیروزی انقلاب اسلامی شد؟**

دو عامل یک اتکای مردم ما به خدا و دوم وحدت کلمه ای که داشتند. یعنی همین دو عاملی که امام خمینی (ره) ابتدای انقلاب می‌گفتند. توحید کلمه و کلمه توحید. توحید به معنای اعتقاد به خداست و نشانگر ایدئولوژی است که مردم داشتند و توحید کلمه هم به معنای وحدتی است که حفظ کرده اند و پشت سر امام راحل و بعد هم پشت سر رهبری مسیر انقلاب را ادامه دادند، این مسئله در ۴۰ سال پیش موجب پیروزی و در ادامه موجب بقای انقلاب اسلامی شده است. امام بارها به عنوان یک رهبر حکیم این جمله را می گفتند که من از دشمن خارجی خوفی ندارم من خوفم از خود شماست، اینکه خدا را فراموش کنید و دوم اینکه ارتباط میان حکومت با مردم از بین برود. چون در حقیقت دو عامل است که موجب استواری انقلاب شده، یکی اتکای به خدا و دوم وابستگی به مردم است. این دو عامل اگر همچنان پابرجا باشد، ما موفق خواهیم بود و هیچ قدرتی هم نمی تواند ما را شکست دهد. ما یکی از کشورهای بزرگ جهان هستیم، حتی اگر ما یک گروه کوچک مثل حزب الله لبنان هم بودیم بازهم در صورت دارا بودن این دو ویژگی، هیچ قدرتی نمی توانست ما را شکست بدهد، چنانچه اسرائیل با همه قدرتش نتوانست از پس حزب الله لبنان بربیاید.

***مهمترین دستاورد و در مقابل مهمترین پاشنه آشیل ما بعد از گذشت ۴۰ سال از پیروزی انقلاب چیست؟**

البته مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی، دستاورد معنوی است و در بعد مادی هم پیشرفت های بسیار عظیمی را در دنیا بدست آورده ایم و خیلی بیشتر از امکاناتی که داشته ایم، پیشرفت کرده ایم و بیشتر از موانعی که با آن روبه رو بوده ایم به موفقیت و پیشرفت دست یافته ایم. از جهت مادی و براساس شاخصه های غیرایدئولوژیک توسعه یافتگی هم بعد از انقلاب و در واقع ۲۰ سال بعد از انقلاب درآمد سرانه نفتی ما حداقل ۱۱ برابر کاهش پیدا کرد و هزار میلیارد دلار هم خسارت از جنگ تحمیلی به ما وارد شد. این هزار میلیارد دلار یعنی درآمد ۸۴ سال کشور ایران بنابراین اگر هرکشور دیگری بود، ده ها بار نابود شده بود اما ما مسیر پیشرفت را دنبال کردیم و در حال حاضر هفدهمین قدرت اقتصادی جهان هستیم. با آن وضعیتی که داشتیم اگر صرفا بدون هیچ دستاوردی فقط بقا داشتیم بازهم هنر بود اما می بینید که در حال حاضر نه تنها بقا داشته ایم بلکه دارای دستاورد هم بوده ایم. اینکه هفدهمین قدرت اقتصادی جهان هستیم، مسئله کمی نیست. البته سوء مدیریت هایی در حوزه مالی داشته ایم که این را در مسئله بحران های ارزی شاهد بودیم. ما در حوزه مدیریت مالی در دولت تدبیر و امید دارای سوء مدیریت بوده ایم اما در دولت های دیگر به نسبت زیادی موفق بوده ایم منتها دولت روحانی چنین ویژگی را ندارد و همین مسئله هم موجب شده کارنامه سایر دولت ها را نیز این دولت خراب کند.

***باتوجه به صحبت هایی که مطرح فرمودید، تصور شما درباره چالش ها و خطراتی که ممکن است انقلاب را در چهل سالگی اش تهدید کند، چیست؟**

خوشبختانه تهدید جدی متوجه ما نیست. تهدید خارجی هم نخواهد توانست انقلاب ما را از پای دربیاورد، اگر ما متحد باشیم و پشت سر رهبری حرکت کنیم و به تعبیر ایشان هوشمند و بصیر باشیم هیچ تهدیدی برای ما خطرآفرین نیست و حتی بحران های داخلی هم نمی تواند مشکل عمده ای ایجاد کند. ما ورق را برگرداندند و حکومت شیلی را سرنگون کردند. ماجرا از این قرار بود که دولت کندی تیمی متشکل از ۱۰۰ مأمور سیا و وزارت خارجه را به شیلی فرستاد تا در انتخابات سال ۱۹۶۴ نتیجه را عوض کند. کمپین «ترس سرخ» با تصاویر تیرباران افراد و تانک‌های شوروی برای ترساندن زنان، تولید برنامه‌های رادیویی توسط سیا، پخش اخبار ساختگی، و موارد مشابه همه در همین راستا بود، و در نهایت «ادواردو فری» با رأی اکثریت زنان انتخابات ۱۹۶۴ را از آلنده برد. اما علی‌رغم همه کمپین‌های آمریکا، آلنده در سال ۱۹۷۰ علی‌رغم تحریم‌های اقتصادی و کمپین بی‌ثبات‌سازی آمریکا دوباره در انتخابات پیروز شد. دفتر زندگی آلنده در نهایت به دست ارتش ژنرال «پینوشه» با حمایت سیا و ارتش آمریکا بسته شد. در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا کودتایی علیه «سالوادور آلنده»، رئیس جمهور وقت شیلی به اجرا می‌گذارد که در نتیجه آن نه تنها آلنده کشته می‌شود که این کودتا اعدام ۳۰ هزار نفر و بازداشت و زندانی شدن ۱۰۰ هزار نفر را در شیلی به دنبال دارد. به هر روی جنس انقلاب اسلامی به گونه ای بوده که فشار بر ما مضاعف بوده است زیرا موقعیت خاص و سوق الجیشی داریم و کشور بزرگی هستیم. فکر می کنم یازدهمین کشور پهناور جهانیم و دارای جمعیت گسترده ای هستیم و در عین حال پیروی ما از اسلام و تشییع باعث تشدید فشارها شده است. ضمن اینکه نباید فراموش کنیم انقلاب ما منحصر به فرد است برای اینکه از مسیر اصلی خودش منحرف نشده. به عنوان مثال انقلاب فرانسه به دیکتاتوری ناپلئون منجر شد و حکومت سلطنتی بعد از مدتی برگشت. انقلاب روسیه که همان ابتدا به دست استالین افتاد و چندین میلیون انسان را با دیکتاتوری خودش از بین برد و آرمان های انقلاب روسیه فراموش شد. اما انقلاب اسلامی از همان روزهای اول وارد مرحله دموکراسی شد و انتخابات را برگزار و فرآیند قانونی شدن را طی کرده و همچنان همان مسیر را دنبال می کند و به افراط و تفریط هم دچار نشده است، یعنی نه افراط دیکتاتوری و نه تفریط وادادگی.

■ در اینکه انقلاب اسلامی ما یک انقلاب جهانی و بزرگ بود، تردیدی نیست لذا الگوبخشی و الهام بخشی را نه فقط در سطح منطقه بلکه در سطح جهان هم ایجاد کرده و بسیاری کشورها از آن قدرت نرم انقلاب اسلامی، الهام گرفته و از آن تبعیت کرده و الگوی خود قرار داده اند

محمد ناظمی اردکانی: در ۴۰ سالگی انقلاب غرب گرایان از قطار انقلاب پیاده شدند

*** به اعتقاد شما چه مسئله ای باعث پیروزی انقلاب اسلامی شد؟**

ببینید رژیم شاه شعار این را می داد که از فرق سر تا نوک پا باید غربی شد و تنها دستاوردشان در این زمینه ابتذال فرهنگی بود نه دنباله روی علمی ازغرب و کشورهایی که در آن روز پیشرفته تلقی می شدند لذا مظاهر غربی را در لباس و تقلید کراوات آنها می دیدند و عمدتا روشنفکران ما ایده های غربی را به نوعی نشخوار می کردند، از لحاظ اجتماعی؛ بی اعتمادی مطلق به حاکمیت وجود داشت.

از لحاظ اقتصادی، اقتصاد ایران دچار وابستگی محض بود و می توان گفت ایران نماد اقتصاد تک محصولی بود به طوری که با جمعیت زیر ۳۰ میلیون نفر روزانه ۶ تا ۸ میلیون بشکه نفت می‌فروخت حال آنکه امروز فروش نفت ما به زیر یک میلیون بشکه رسیده است. آن روزها همه چیز وارد می شد از مواد غذایی تا محصولات صنعتی و کشاورزی و مردم از این شرایط به تنگ آمده بودند. بنابراین رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایدئولوژی اسلام بود که این خاستگاه باعث می شد مردم ظرف آگاهی، آزادی و عزت را در این مکتب ببینند و دوم رهبری امام بود که ایشان فردی خودساخته، تربیت شده در این مکتب یا به عبارتی ایشان تبلور اسلام ناب بودند و فردی مقاوم و شجاع و مدیر و مدبر بود. رهبری امام مورد اجماع همه ملت بزرگ ایران از سلایق مختلف سیاسی، مذهبی و اجتماعی و فرهنگی بود و همه اجماع کامل داشتند و سوم وحدت و انسجام مردم بود. مردم یکپارچه علیه رژیم شاه هم رای و یک‌صدا شده بودند.

***دستاوردهای انقلاب را شامل چه مواردی می دانید؟**

شاید مهمترین دستاورد ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سرمایه انسانی بوده است. دارایی یک کشور شامل دارایی های مشهود است یعنی دارایی هایی که می توان لمس کرد و دید. در این زمینه ایران به لحاظ ذخایر نفت و گاز رتبه چهار و دوم را به خود اختصاص داده. از نظر ذخایر معدنی در کمربند سبز ظرفیت های معدنی استقرار یافته. از نظر مساحت سرزمینی رتبه هجدهم را در دنیا داریم. ما از نظر مساحت آبی رتبه هفتم را داریم و از نظر تنوع زیستی رتبه سیزدهم را در دنیا به خود اختصاص داده ایم. اما از این دارایی های مشهود با اتکا بر دارایی های نامشهود یعنی سرمایه انسانی و اجتماعی می توان بهره مند شد و کشور را به تعالی رساند بنابراین دارایی های نامشهود بالاترین دستاوردی بوده که بعد از پیروزی انقلاب حاصل شده است. اگر بخواهیم به مختصاتی از این سرمایه انسانی اشاره کنیم، باید بگوییم طبق پایش دفتر سازمان ملل متحد، ایران در حال ورود به جرگه کشورهای دارای توسعه انسانی است که امتیاز این کشورها بالای ۸ دهم است. یعنی از ۸ دهم تا یک را توسعه انسانی بسیار بالا رتبه بندی می کنند درحال حاضر رتبه ایران در بین ۱۸۰ کشور جهان، ۶۰ است. اما این سرمایه انسانی در قاب جمعیت ۸۵ میلیون نفر معادل یک درصد جمعیت جهان دیده می شود. سرمایه انسانی برآیند دانش، تخصص و مهارت و بهداشت و درآمد سرانه است، این تعریفی است که مجامع بین المللی عنوان می کنند. در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی یعنی سال ۱۳۵۵ نرخ باسوادان کشور ۴۷ و نیم درصد بود یعنی از جمعیت ۲۰ میلیونی نزدیک به ۱۵ میلیون نفر بی سواد بودند اما در سال ۹۵ نرخ باسوادی در کشور به ۸۷٫۶ درصد رسیده است. زنان باسواد ۹۳ درصد هستند اما قبل از انقلاب زنان باسواد نرخ ۳۶ درصد را تشکیل می دادند و در حال حاضر نرخ سواد زنان از مردان هم پیشی گرفته است. اختلاف درصد باسوادی بین شهر و روستا قبل از انقلاب ۴۰ درصد بود یعنی اگر سوادی هم وجود داشت، این سواد در شهرها بود. اما امروز این فاصله به ۷ درصد رسیده است یعنی روستائیان ما هم از سواد بسیار بالایی برخوردار شده اند. از لحاظ نرخ رشد باسوادی در حال حاضر ایران رتبه اول را در جهان دارد. یعنی از همه کشورهای دنیا در ارتباط با شتاب سواد بالاترین است. همچنین در زمینه آموزش عالی در سال ۵۵ فقط ۲۲۳ واحد دانشگاهی وجود داشت و امروز بالغ بر ۲ هزار و ۵۴۰ واحد دانشگاهی در کشور وجود دارد. تعداد دانشجویان سال ۵۵ حدود ۳۱۰ هزار نفر بود اما امروز این رقم در سال ۹۰ بالغ بر ۵ میلیون ۴۲۴ هزار نفر است که رشد چند ده برابری داشته است. درحال حاضر ۲۳ دانشگاه ایرانی در بین ۹۳۸ دانشگاه برتر جهان قرار گرفتند یعنی به تدریج دانشگاه های ایران از لحاظ کیفیت علمی در حال ورود به جرگه دانشگاه های برتر جهان است. از لحاظ تولید علم ایران در زمره ۱۵ کشور برتر دنیا قرار دارد. تمدن ایران در گذشته داعیه علم را در جهان داشته و به اصطلاح خاستگاه علم و تولید علم بوده و اکنون درحال پیمودن همین مسیر است. ایران در زمینه سلول های بنیادی که پیچیده ترین دانش علمی جهان است، رتبه دوم را داراست. در زمینه دانش هسته ای جزء ۹ کشور جهان قرار دارد. ما در حوزه سرمایه انسانی که برآیند آن امید به زندگی است. پیشرفت های قابل توجهی داشته ایم. امید به زندگی در سال ۱۳۵۷ حدود ۵۵ سال بود و این رقم در حال حاضر به ۷۶ سال رسیده است. در عرصه سیاسی موضوع انتخابات و حضور در پای صندوق های رای برای مشارکت مردم در قبل از انقلاب وجود نداشت. اگر هم مجلسی بود، مجلس فرمایشی بود اما بعد از پیروزی انقلاب مردم در انتخابات حضور پیدا کرده و در ارتباط با اداره شهرها و روستاها خودشان تصمیم می گیرند و شورای شهر و روستا انتخاب می کنند. در زمینه اداره کشور مردم پای صندوق رای می روند و نمایندگان را برای مجلس انتخاب می کنند و یا با رای مستقیم خود رئیس جمهور و با رای غیرمستقیم رهبر را انتخاب می کنند. بنابراین در اداره کشور مردم به صورت مستقیم حضور داشته و تصمیم گیری می کنند. بعدهم پرالتهاب ترین رقابت های سیاسی را در کشور داریم که شاید در هیچ کجای دنیا این رقابت ها را شاهد نباشیم حتی در کشورهایی که امروز داعیه دموکراسی دارند، چنین رقابت های سیاسی وجود ندارد. این دستاورد بسیار ارزشمندی است. مردم به همین جهت همواره در صحنه قرار می گیرند و اگر توطئه و جنگی تحمیل شود و دستاوردهای انقلاب زیرسوال برده شود، به صحنه می آیند و دفاع می کنند اما اینکه بعضی از جریان های سیاسی در قبل از انقلاب چه میزان نقش داشتند را نمی شود تخمین زد. به هرحال برای مقابله با رژیم شاه و سقوط آن، جریان های سیاسی چپ و راست نقش داشتند اما روش های مبارزاتی آنها باعث شد مردم از نحوه و شکل مبارزه آنها رویگردان باشند. در واقع روش هایشان عمدتا مبارزه مسلحانه بود اما امام خمینی (ره) عمده تکیه اش بر مردم و آگاهی مردم بود. ایشان می گفتند مردم نسبت به ظلمی که بر آنها روا داشته شده و عقب ماندگی هایی که نسبت به آنها تحمیل می شود، آگاه باشند. برهمین اساس امام وارد میدان مبارزه شده و پیروز هم می شوند چون موضع شان برحق بود. در روزهای آخر مبارزه هم امام مردم را برای حضور در صحنه مبارزه تشویق می کردند و خودشان هم می گفتند که ای کاش من هم در میان مردم بودم، یا کشته می شدم و یا به شهادت می رسیدم.

آیا سال آینده چالش یا خطری جدی انقلاب یا نظام را تهدید می کند؟

مقام معظم رهبری هم به این مسئله اشاره داشتند، بنابراین احتمال اینکه فتنه ای در پیش باشد، وجود دارد و باید مردم هوشیار باشند و بتوانند آن فتنه را در نطفه خفه کنند. در این ارتباط آنچه به ذهن می رسد، راهبردهایی است که از سوی آمریکا و اسرائیل و دنباله های آنها در ایران انجام می شود. عمدتا راهبردهای آمریکا را باید شناخت و به موقع و بدون اتلاف فرصت مقابله کرد. راهبرد دولت فعلی ایالات متحده این است که مردم ایران را از طریق فضاهای ساختگی و تبلیغات پرهزینه و گسترده نسبت به وضع موجود ناراضی کند. یا به تعبیر دیگر آنها را نسبت به انقلاب و دستاوردهایش ناامید کرده تا با ایجاد نارضایتی به خیابان بیایند و اعتراض کنند. آمریکا به خیال خودش می خواهد از این طریق فروپاشی جمهوری اسلامی را رقم بزند. خروج آنها از برجام، یکی از راهبردهای کوتاه مدت آنهاست. تا پیش از این دولتمردان آمریکا قائل بر این بودند که در بلندمدت با هزینه کمتر می توان جمهوری اسلامی را به سمت فروپاشی برد و تحلیل شان این بود که از شرایط داخل ایران در جهت سرنگونی استفاده کنند. برهمین اساس ایران را پای میز مذاکره بردند تا در بلندمدت راهبرد خود را پیاده سازی کنند اما دولت فعلی این راهبرد را اشتباه می دانست و می گفت این شرایط کاملا مهیاست برای فروپاشی نظام و همین بود که از برجام خارج شد و اعمال تحریم های نفتی را دنبال کرد تا بتواند از طریق تحریم نفتی و دامن زدن به معضلات اقتصادی؛ نارضایتی ها را در داخل تشدید و عوامل خودش را در داخل بسیج کند. متاسفانه برخی از این عوامل ممکن است در جایگاه های تصمیم گیری هم نفوذ کرده باشند و از طریق آنها سعی می‌کنند تصمیماتی که به صورت مخفی و زیرپوستی گرفته می شود را اعمال کنند. لذا با این راهبرد و روش ها جمهوری اسلامی را که سد بزرگی برای پیشبرد سیاست هایشان در منطقه و جهان است، به سمت فروپاشی ببرند.

***در ۴۰ سالگی انقلاب برخی از قطار انقلاب پیاده شدند فکر می کنید چرا؟**

ما از بدو پیروزی انقلاب اسلامی همواره شاهد ریزش و رویش بوده ایم. یک‌سری افراد و یا جریان‌هایی که شعار انقلاب و ارزش‌های انقلابی داشتند و در واقع داعیه انقلابی گری داشتند، در رویارویی با جاذبه‌هایی که صورت می گرفت و یا انحراف هایی که ایجاد می شد، ممکن بود منافع شخصی و یا منافع سیاسی و اجتماعی داشته باشند و یا به ظواهر زندگی روی بیاورند، این ها نیت ها و شعارهایشان به تدریج سایش پیدا کرد و ضعیف شد و بالغزش‌هایی که در آن اتفاق افتاد، از گردونه انقلاب خارج شدند اما بسیاری هم در دوره انقلاب رویش پیدا کردند که عمدتا آنها را می توان در بین نسل جوان پیدا کرد. این ها کسانی بودند که متکی بر همین اصول انقلاب امروز در عرصه صنایع موشکی، علوم فناوری و رفتن به فضا و سلول های بنیادین و دانش هسته ای و تولید علم با خودباوری کشور را به رشد و تعالی رساندند. طبعا نسل جوان افرادی که لغزیدند و حتی مخالف انقلاب شدند را کنار زدند چون این ها هیچ گونه اثر وضعی در ارتباط با پیشرفت انقلاب نداشتند و امروز آنهایی که غرب گرا تلقی شده و دل‌باخته به ظواهر غرب اند و با تصمیماتی که آن ور آب گرفته می شود، همراه اند و اساسا به وادادگی دچارند، در همین مسیر ریزش حرکت می کنند و قطعا این ها نیز از قطار انقلاب در آینده پیاده خواهند شد و یا نیروهای انقلاب آنها را از قطار انقلاب پیاده می کنند و هیچ گونه اثر وضعی هم ندارند. این انقلاب بالنده و پویاست و درسرتاسر جهان و بین ملت ها زنده است.

■ شاید مهمترین دستاورد ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سرمایه انسانی بوده است. دارایی یک کشور شامل دارایی های مشهود است یعنی دارایی هایی که می توان لمس کرد و دید

■ قطعا انقلاب اسلامی در عموم عرصه ها یک الگوی موفق برای کشورهای اسلامی است اما این الگوی موفق به این معنی نیست که ناکامی نداشته بلکه به این معناست که در اکثر عرصه ها از جهت رشد و توسعه و عدالت و معنویت، الگوی موفقی بوده و می تواند از نظر جهان اسلام مورد توجه قرار بگیرد و نگرانی کشورهای امپریالیستی و استکبار غربی هم از این است که انقلاب ما به دیگر کشورهای جهان اسلام منعکس شود